

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران- افغانستان)

۰۲ جنوری ۲۰۱۸

## درد بر مردمی که موج نویی از مبارزات آفریدند!

زلزله سیاسی وسیعی که روز هفتم و هشتم دی ماه [جدی] ۱۳۹۶ شهرهای مختلف ایران را در نوردید، معادلات سیاسی را در صف دوست و دشمن بر هم ریخت. اگر دی ماه ۸۸، جنبش مردمی در پی رادیکالیزه شدن رو به افول گذاشت، دی ماه ۹۶ خیزش مردم ناراضی از فقر، گرانی، فساد، بی‌کاری، بی‌آیندگی و ... موج نویی از مبارزات مردمی به راه انداخت و نارضایتی را اینبار از گسل‌های عمیق‌تر سیاسی - اقتصادی به سطح آورد؛ اگر جنبش مردمی سال ۸۸ بعد از هشت ماه از خواست «رأی منو پس بدید!» به شکل محدودی به شعار «مرگ بر خامنه‌ای!» رسید، اینبار «شورش نان» در عرض چند ساعت از مطالبات اقتصادی به شعارهای «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم! نمی‌خوایم!» رسید و جنبش مطالباتی و اقتصادی موجود، به روشنی شکل سیاسی و ضد رژیمی به خود گرفت.

خیزش پرشور مردم در شهرهای کوچک و بزرگ، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب دستگاه سیاسی مرتجعین حاکم را میخکوب و مستأصل کرد؛ مردم از مشهد تا اهواز، از کرمانشاه تا رشت، همدان، قم، قوچان، اصفهان، ساری، قزوین و خرم‌آباد ... به خیابان آمدند و دست‌دسته به یک دیگر پیوستند. درحالی‌که جناح‌های مختلف حکومت در پی راهی برای فرافکنی می‌گشتند؛ جناح دولتی، رقباء را به تحریک مردم برای تجمع علیه دولت «متهم» می‌کرد و جناح رقیب، دولت را به بی‌تدبیری و عدم قاطعیت؛ اما سردمداران ماشین ستم و استثمار و سرکوب خود بهتر از هر کسی می‌دانند و می‌دانستند که جمهوری اسلامی را روی چه انبار باروتی به‌پیش می‌رانند و اتحادشان برای عبور از بحران‌های داخلی و خارجی چقدر شکننده است. بیهوده نبود که «کاندیداها» در شوهای انتخاباتی‌شان دائماً از کنترل بحران اقتصادی دم می‌زدند؛ و دولت مانورهای سرکوب تجمعات شهری را برگزار می‌کرد و سپاه با به راه انداختن «گشت شهری» راه را برای دخالت‌گری هرچه بیشتر در کنترل و سرکوب جامعه باز می‌کرد. بله! این حقیقت قابل کتمان نیست نارضایتی و خشم بحق مردم جان به لب رسیده حاصل گروکشی‌های سیاسی جناح‌های مختلف حاکمیت جمهوری اسلامی و یا توطئه نیروها و کشورهای «خارجی» نیست، حاصل کارکرد سیستم ستم و استثمار رژیم جمهوری اسلامی است که تلاش کرد با وصل کردن هرچه بیشتر خود در روابط سرمایه‌داری امپریالیستی بحران‌های داخلی و خارجی‌اش را با اسم رمز «برجام» التیام بخشد، غافل از این‌که مناسبات واپس‌گرا و معوج سرمایه‌داری منشای بحرانی در ابعاد جهانی است و این خیزش‌های جسورانه فقط دهانه‌های کوچکی از آتش‌فشان خشم و نارضایتی مردم از این مناسبات نابرابر، ناعادلانه و شرم‌آور است.

این خیزش‌ها حاصل تبدیل کمیت مبارزات خود به خودی مردم به کیفیتی سیاسی است، مردمی که این چندسال در خلال مبارزات صنفی‌شان در تجمعات حقوق‌های معوقه و کارخانه‌های ورشکسته، تعدیل نیروها، قراردادهای موقت، اخراج‌ها، ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی، کارتن‌خوابی، گورخوابی، دست‌فروشی، افزایش نرخ تورم و بی‌کاری و آلودگی هوا و ... خوب فهمیدند دشمن‌شان این فرد و آن فرد نیست، دشمن‌شان یک نظام است، به سرعت نظام ستم و استعمار رژیم جمهوری اسلامی را هدف شعارهای خود قرار دادند. فریاد خشم «مرگ بر دزد!»، «مرگ بر دیکتاتور!»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر جمهوری اسلامی!» ... در مبارزات دو روز و دو شب گذشته به روشنی عمق عدم مشروعیت کلیت نظام جمهوری اسلامی را بیان می‌کند. شعار «اسلام رو پله کردین، ملت رو ذله کردین!» بدرستی قلب ایدئولوژی اسلامی ستمگرانه، توخالی و پر تزویر حاکمیت را هدف گرفت. شعار «سوریه را رها کن! فکری به حال ما کن!» نشان می‌دهد که دیگر ادعاهای دروغین ضرورت جنگ‌های نیابتی برای حفظ امنیت داخلی برای مردم بی‌معنا شده است؛ و بیهوده نیست که جوانه‌های خواست پایان دادن به نظم موجود از پشت میله‌های دانشگاه به گوش می‌رسد: «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا!!!»

به همین دلیل باید به حداکثر به مبارزات مردم در اعتراض به نظم موجود دمید، چون این مبارزات بخشی از مبارزه برای درهم شکستن نظم موجود است. هرچند در میانه بیرون ریختن خشم، نارضایتی و نفرت مردم از اقشار و طبقات مختلف و با گرایش‌های سیاسی و منافع طبقاتی مختلف - از اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوانی از گرایش‌ها و تفکرات و سپس‌گرائی که طبقات حاکمه سال‌ها در تفکر و عمل جامعه پمپاژ کرده‌اند به اشکال مختلف بروز خواهد یافت. مثلاً در روزهایی که ما باز هم شاهد حضور جسورانه و شجاعانه زنان در صف اول این مبارزات هستیم، زنانی که با قدرت و متحد شعار می‌دهند، بی‌پروا و با شعارهای رادیکال در محاصره نیروهای نظامی یکتنه حاکمیت را به نبرد می‌طلبند، با خشم نیروهای نظامی را تحقیر می‌کنند و یکتنه پرچم سیاسی - ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یعنی حجاب اجباری را تبدیل به پرچم مبارزاتی خود می‌کنند و ... ما شعار مردسالارانه «زنان به ما پیوستند، بی‌غیرت‌ها نشستند!» را هم می‌شنویم؛ یا شاهد این هستیم که به علت نبود آلت‌رناتیو رو به آینده‌ای بنیاداً متفاوت، مردم طالب تغییر، هم رو به گذشته می‌کنند و مرده‌ها را از قبر احضار می‌کنند: «ایران که شاه نداره، حساب کتاب نداره!»، «رضا شاه روح شاد!» و «ما آریائی هستیم، عرب نمی‌پرستیم!» ... این شعارهای واپس‌گرا ضمن این‌که تأثیر ایدئولوژی و واپس‌گرای حاکمیت و برخی از نیروهای سیاسی در درون مردم را بازتاب می‌دهد، نشان می‌دهد که دفاع از مبارزات بحق مردم برای تغییر به معنای دفاع از ایده‌های رایج در بین مردم نیست.

مبارزات بحق مردم اگرچه غیرقابل‌پیش‌بینی نبود اما غیرقابل شکست نیست. این سرآغاز شورانگیز به شکل خود به خودی به انجام نمی‌رسد. بدون آگاهی انقلابی این شورش‌ها یا سرکوب و یا منحرف خواهند شد. این دو سناریو پیش‌تر کلید خورده است. جناح‌های مختلف حاکمیت با وجود اختلافات جدی، اما در سرکوب خونین مبارزات مردم، همدست، هم‌منظر و هم‌کاراند و مشاطه‌گران درونی و بیرونی حکومت به مدد سال‌ها تجربه ترمیم‌طلبی، در پی بی‌ارزش نشان دادن مبارزات مردم - خصوصاً طبقات تحتانی - و یا منتسب کردن این مبارزات به یکی از قطب‌های واپس‌گرای جمهوری اسلامی یا امپریالیست‌ها برای به انحراف بردن آن هستند.

با چنین درکی زنان می‌توانند به شکل واقعی تبدیل به پیشروان جدی و خشمگین به نبرد فراخواندن حاکمیت شوند. زنانی که خشم، نارضایتی و نفرت آنان در این مبارزات حاصل تحمیل نزدیک به چهل سال خشونت افسارگسیخته جنسیتی از طرف یک رژیم تنوکراتیک ضدزن است که یکی از ستون پایه‌های اصلی آن فرودستی و ستم بر زن و کنترل بدن، سرنوشت و اراده آنان بوده است. به همین دلیل انتظار می‌رود زنان در صف مقدم این مبارزات متشکل

شوند و با مبارزه در جهت رهائی زنان از ستم جنسیتی افق مبارزاتی مردم را تعمیق داده و انرژی میلیون‌ها زن را در جهت به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی آزاد کنند. زنان می‌توانند با به آتش کشیدن حجاب اجباری این سمبل اسارت زنان و نماد کنترل دولتی، مذهبی و مردسالارانه بر بدن زنان، با به آتش کشیدن این پرچم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، حاکمیت را بیش از پیش بی‌اعتبار کرده و زمینه‌ساز سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی شوند.

**سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان)**

**۹ دی [جدی] ۱۳۹۶ / ۳۰ دسمبر ۲۰۱۷**